



به‌محض پایان یافتن جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، شناسایی ویر آورد حجم خسارات آغاز شد. در این جنگ نزدیک به ۸۷۰۰ واحد مسکونی تخریب شد یا آسیب دید. در کنار دغدغه بازسازی خانه‌ها، مسئله اصلی، اسکان موقت مردمی بود که به یک‌باره منزل و سرپناهشان با آسیبی جدی مواجه شده و امکان زندگی در آنجا را با مشکل اساسی روبرو کرده بود. با این حال بر آورد خسارات از آن چیزی که انتظار می رفت بسیار فراتر بود. طبق گفته مسئولان بر آورد هزینه مقاوم‌سازی، بازسازی و ساخت مجدد خانه‌های آسیب‌دیده حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان (۱۰ همت) برآورد شده است. معاون بنیاد مسکن در خصوص وظیفه تأمین این اعتبارات مالی و چگونگی بازسازی خانه‌ها اعلام کرده‌بود: «در نشست تصمیم‌گیری برای بازسازی واحدهای آسیب‌دیده کلیات بر نامه بازسازی مورد تأیید قرار گرفت و قرار شد منابع مالی بازسازی خسارت جنگ به عنوان تنخواه در اختیار بنیاد مسکن قرار گیرد و ما پرداخت به مردم را آغاز کنیم. پیش از آن نیز ما کار آواربرداری را شروع کرده بودیم اما بعداز ظهر چهارشنبه در جلسه دوم تصمیم تغییر کرد و بازسازی را در تهران به شهرداری و در استان‌ها به استانداری‌ها محول کردند.»

اقدام مثبت شهرداری تهران

شهرداری تهران با فهم وظیفه اجتماعی خود در ابتدا با اسکان مردم جنگ‌زده در دو هتل مخصوص به خود و چند هتلی که از نهادهای دیگر اجاره کرد، به مردم آسیب‌دیده اسکان موقت داد و در مرحله بعد ودیعه مسکن به اعتبار ۱۵ هزار میلیارد تومان را با اجاره پرداخت ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان بر عهده گرفت و سپس با تصمیمی که در دولت اتخاذ شد فرایند مقاوم‌سازی، بازسازی و ساخت خانه‌های تخریب‌شده را بر عهده گرفت. در لحظه‌ای که تعداد قابل توجهی از مردم با بحران اسکان و سر پناه مناسب مواجه بودند و همین امر می توانست ظرفیت گله‌مندی و ناراضیاتی را به وجود آورد، با تصمیم مهم شهرداری در تأمین اسکان موقت و قبول مقاوم‌سازی، بازسازی و ساخت خانه‌های تخریب‌شده جلوی آن گرفته‌شد. با این تصمیم به‌موقع دیگر کار مردم بر زمین نمانده و امکان بازسازی زودتر تهران قبل از تل آو یو فراهم شده است. «فرهیختگان» با عبدالعظمیر محمدخانی، سخنگوی شهرداری تهران در خصوص چگونگی تصمیم مهم شهرداری، نحوه تأمین منابع مالی و نحوه اجرا و به ثمر رساندن این پروژه‌ها گفت‌وگو کرده است.

عبدالعظمیر محمدخانی، سخنگوی شهرداری تهران گفته است که «۹۵ ۵۰ واحد خسارت جزئی تعمیراتشان به پایان رسیده است، ۱۱۳۸ واحد مسکونی آسیب‌دیده با تعمیرات متوسط مبالغی را دریافت کرده‌اند. ۲۰۷۸ واحد مسکونی با تعمیرات کمتر از ۳۰۰ میلیون تومان آسیب‌دیده‌اند. ۱۱۶ واحد نیز خواهان تخریب و نوسازی برای استفاده از یک طبقه تراکم تشویقی شده‌اند. محمدخانی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» اشاره کرد: «۶۰ واحد عملیات مقاوم‌سازی در آن‌ها شروع شده است. ۲۵ واحد تاکنون عملیات تخریب و نوسازی در آن‌ها شروع شده و همچنین در مجموع ۸۷۸۲ واحد در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه آسیب‌دیده‌اند.» وی در خصوص وضعیت خانه‌های آسیب‌دیده در جنگ اخیر بیان کرد: «نزدیک ۸۷۰۰ واحد مسکونی در این جنگ آسیب‌دیده‌اند. از این ۸۷۰۰ واحد، همه واحدها آسیب‌های اساسی ندیده‌اند، بلکه بعضی از آن‌ها، آسیب‌های جزئی دیده‌اند؛ برای مثال در و پنجره و… آسیب‌دیده است. عمده آسیب‌ها این‌گونه است. تعداد آن ساختمان‌هایی که نیاز به تخریب و نوسازی اساسی دارند، یعنی ساختمان به‌طور کامل خراب شده یا دیگر نمی‌شود از آن استفاده کرد و باید آن را تخریب و مجدد ساخت. حدود ۹۰ واحد ساختمانی است.» محمدخانی در ادامه بیان کرد: «آن واحدهایی که آسیب جزئی دیده‌اند و در کل در و پنجره‌شان آسیب‌دیده بود کار بازسازی‌شان تقریباً تمام شده است. مگر آن‌هایی که استثنائی داشتند، فرض کنید کارگران رفته‌اند ساختمان را تعمیر کنند. مالک ساختمان نیست، در خانه را قفل کرده و رفتن را یک فریم خاص می‌خواهد، باید سفارش بدیم تا کارخانه بسازد

گزارش «فرهیختگان» از روند تعمیر و تجهیز مجدد خانه‌های آسیب دیده در دفاع ملی ۱۲ روزه توسط شهرداری

شروع بازسازی هادر تهران



و بیاورد. چند مورد این مدلی مانده که عموماً در و پنجره معمولی بوده‌اند.» وی با دسته‌بندی میزان آسیب‌دیدگی ساختمان‌ها و فرایند کمک شهرداری به مالکان بیان کرد: «اگر بخواهیم میزان آسیب‌دیدگی ساختمان‌ها را تعیین کنیم، یک‌سری آسیب‌دیدگی نسبتاً جزئی دارند که تا ۳۰۰ میلیون تومان آسیب‌دیده‌اند که تا سقف ۳۰۰ میلیون تومان خسارت وارده را می‌شود جبران کرد. این آسیب‌ها به‌گونه‌ای است که برای مثال یک دیوار ریخته، آن دیوار را با حدود ۱۰۰ میلیون می‌شود دوباره ساخت. شهرداری به این دسته گفته تا سقف ۳۰۰ میلیون تومان را نقداً به مالک پرداخت می‌کند. برخی مالکان هم معطل نمانده‌اند و خودشان شروع به انجام کار کرده‌اند. شهرداری نیز به این دسته گفته بر وید و آسیب‌دیدگی‌ها را بسازید. ۳۰۰ میلیون را به‌شما می‌دهم. بازسازی تا سقف هزینه ۳۰۰ میلیون تومان نیز دارد انجام می‌شود و نهایتاً یک الی دو ماه دیگر تمام می‌شود.»

محمدخانی با اشاره به‌دسته دوم ساختمانی‌های آسیب‌دیده در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه گفت: «دسته دیگر خسارت‌های بالای ۳۰۰ میلیون تومان است که شامل حدود ۹۰۰ واحد مسکونی می‌شود. این تعداد واحد مسکونی باید با یک کامل تخریب و نوسازی شوند یا نیاز به مقاوم‌سازی‌های اساسی دارند، یعنی دیگر کار آن‌ها با یک پنجره‌ودر و… درست نمی‌شود. شهردان مناطق تا امروز با مالکان این ۹۰۰ واحد مسکونی دارند یک به یک جلسه می‌گذارند. علت اینکه فرایند بازسازی و ساخت خانه‌ها مقداری در این بخش کندپیش می‌ود، به خاطر این است که خیلی از این واحدها، آپارتمان بوده‌اند، مالکان این ساختمان یک نفر یا دو نفر هستند، چندین مالک دارند. همچنین با امضای یک نفر از مالکان نمی‌شود کل خانه را در یک لحظه تخریب کرد، همه باید رضایت بدهند. ۹۰۰ واحد مسکونی حدوداً می‌شود ۱۵۰ ساختمان که شهردان مناطق دارند با مالکان این ساختمان‌ها جلسه می‌گذارند و هرکدام را تک تک تعیین تکلیف می‌کنند.»

۱۳۰۰ نفر اسکان موقت دارند

محمدخانی با اشاره به وضعیت اسکان افرادی که محل سکونتشان آسیب‌دیده بیان

صمت موظف است در صورت امکان، خودروهای جایگزین از ایران خودرو و سایپا تأمین کند. شهرداری تهران نیز در این راستا، به منظور مساعدت بیشتر، اعتبار ۲۵۰ میلیون تومانی را به صورت بن خرید کالا برای شهروندان آسیب‌دیده اختصاص داده است. تاکنون ۳۵۰ خانواده این بن خرید ۲۵۰ میلیون تومانی را دریافت‌ و از فروشگاه شهروند اقلام مورد نیاز خود را تهیه نموده‌اند.»

۱۰ همت هزینه تخریب و بازسازی ۹۰۰ واحد مسکونی

محمدخانی در خصوص میزان خسارات واردشده در شهر تهران گفت: «لازم به ذکر است مقیاس تخریب خانه‌ها در تهران با هیچ شهر دیگری در کشور قابل مقایسه نیست. بیشترین حملات در ۱۲ روز، روی تهران متمرکز بوده و واحدهای مسکونی در هیچ جای کشور به اندازه تهران آسیب ندیده‌اند. آمارهای اعلام شده از سوی بنیاد مسکن و وزارت مسکن نشان می‌دهد در کل کشور، تنها حدود ۱۳۰۰ واحد مسکونی نیاز به تخریب و نوسازی کامل داشته‌اند، درحالی‌که این آمار در تهران چندین برابر کل کشور، حدود ۳۰ برابر برآورد می‌شود، بنابراین هزینه‌ها و اعتبارات موردنیاز در تهران به هیچ‌عنوان قابل مقایسه با سایر شهرها نیست.» او در خصوص تأمین اعتبارات لازم جهت پرداخت خسارات بیان کرد: «بازسازی این واحدها با موارد مشابه قابل مقایسه نیست. شهرداری برای تأمین اعتبار، هر هزینه جاری را از خزانه خود پرداخت می‌کند اما برای بازسازی کامل ۹۰۰ واحد مسکونی که نیاز به تخریب و نوسازی دارند، بودجه قابل توجهی لازم است؛ رقمی حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان (۱۰ همت) موردنیاز است که باید با همکاری دولت و شهرداری و پیمانکاران تأمین شود.» محمدخانی افزود: «پیشنهاد آقای زاکانی در دولت مطرح و تصویب شد و کمیسیون ماده ۵ نیز آن را تأیید کرد. بر اساس این مصوبه، برای حدود ۱۲۰۰ پلاک مسکونی آسیب‌دیده، با افزایش تراکم تا ۵۰ درصد، بازسازی انجام خواهدشد. به این معنی که اگر خانه‌ای قبلاً پنج طبقه بوده، می‌تواند تا هفت یا هشت طبقه ساخته‌شود. در صورتی که مالک تمایلی به ساخت نداشته باشد، می‌تواند سه طبقه مازاد را به‌سازنده واگذار کند. شهرداری با سازنده توافق و در ازای ساخت واحدها، طبقات مازاد را به او واگذار می‌کند تا هزینه ساخت تأمین شود. این راهکار برای تأمین اعتبار شهرداری اندیشیده شده است.»

اعلام آمادگی ۱۹۰ سازنده بزرگ برای بازسازی واحدهای آسیب‌دیده

محمدخانی با اشاره به نقش مؤثر جامعه مهندسی کشور بیان کرد: «دو هفته پیش جلسه‌ای با حدود ۱۹۰ سازنده بزرگ تهران برگزار کردیم. این سازندگان که در مقیاس بالا فعالیت می‌کنند، در این جلسه حضور داشتند. در آن برخی سازندگان، در راستای مسئولیت اجتماعی، اعلام آمادگی کرده‌اند علاوه بر استفاده از امتیازهای شهرداری، امتیازهای خود را نیز در اختیار مردم قرار دهند، به‌عنوان مثال برخی اعلام کرده‌اند واحدهای آماده تحویل خود را به آسیب‌دیدگان واگذار می‌کنند تا سنده به نام آن‌ها زده‌شود و زندگی خود را آغاز کنند که در عوض واحدهای آسیب‌دیده آن‌ها به شهرداری با سازنده واگذار می‌شود. این تعامل و روحیه همکاری از سوی سازندگان و جامعه مهندسی وجود دارد. همچنین سازندگان اعلام آمادگی کرده‌اند پروژه‌های خود را با استفاده از بهترین مصالح تکمیل کنند.» او در ادامه گفت: «در دوران جنگ و پس از آن، بحث اسکان اضطراری مطرح بود. شهرداری در همان روزهای اولیه جنگ، دو هتل خود را برای اسکان موقت در اختیار مردم قرار داد. پس از شدن این هتل‌ها شهرداری ۱۰ هتل دیگر را با هزینه خود اجاره کرد تا بتواند به اسکان جنگ‌زگان کمک کند. شهرداری با هوشمندی و درک مسئولیت اجتماعی خود، وظیفه اسکان موقت مردم آسیب‌دیده را بر عهده گرفت و افرادی را که خانه‌هایشان خسارات زیادی دیده بود به‌طور موقت در هتل‌ها اسکان داد.»

از من به ما؛ جستاری در تربیت سیاسی

و ناشی از نقش آنها در شکل دهی به وجود ما.

تربیت سیاسی حقیقی، در گروی پرورش درک و پذیرش تعهدات ناشی از عضویت در جامعه سیاسی است

تربیت سیاسی صرفاً آموزش قوانین اساسی یا سازوکارهای حکومتی نیست (هر چند اینها نیز مهمند)، بلکه به‌مراتب فراتر از آن است. آنچه در بطن تربیت سیاسی نفهته است، تربیت اخلاقی یک شهروند است؛ انسانی که هویت سیاسی خود را در بافتی از تعهدات، مسئولیت‌ها، تاریخ مشترک و آینده‌ای که باید ساخته شود، می‌فهمد. در چنین چهارچوبی، تربیت سیاسی چند عنصر محوری دارد:

وفاداری به جامعه و نظام سیاسی، به معنای اطاعت کورکورانه نیست. این وفاداری، وفاداری به اصولی است که جامعه را معنا می‌بخشد؛ عدالت، آزادی، کرامت انسانی و خیر عمومی. گاهی این وفاداری مستلزم اعتراض، نقد و تلاش برای اصلاح ساختارهای ناکارآمد است؛ اما همیشه با این آگاهی همراه است که اصلاح، از دل تعلق به جامعه می‌رود، نه انکار.
مشارکت فعال: تربیت سیاسی باید افراد را به این درک برساند که «شهروندی» صرفاً بر خورداری از حقوق نیست، بلکه مستلزم مشارکت در حیات جمعی – از شرکت در انتخابات و گفت‌وگوهای عمومی گرفته تا فعالیت داوطلبانه در خیریه‌ها و مؤسسات – است.
تعهد به خیر عمومی: فراتر رفتن از منافع فردی محدود و پرورش حس مسئولیت نسبت به رفاه کلی جامعه، حفظ نهادهای مشترک و مراقبت از منابع عمومی. این یعنی درک اینکه موفقیت فردی ما عمیقاً به سلامت جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم گره خورده است.
پذیرش مسئولیت برای گذشته و آینده مشترک: شناخت میراث تاریخی (با تمام افتخارات و خطاها)ش و احساس مسئولیت برای شکل دادن به آینده‌ای که نه فقط برای خودمان که برای نسل‌های آینده شهروندان نیز شایسته باشد.

فلسفه تربیت، نیازمند پیوند با فلسفه سیاسی است

در یک تحلیل، فلسفه تربیت به‌مثابه شاخه‌ای از فلسفه اخلاق در نظر گرفته شده، یعنی تمرکز اصلی آن بر پرورش فرد از حیث فضایل اخلاقی، رشد شخصیت و تشخیص خیر و شر است. بی‌گمان این بُعد اخلاقی بخش مهمی از تربیت را شکل می‌دهد، اما اگر فلسفه تربیت در همین مرز بماند، از ایفای نقش مؤثر در عرصه سیاست‌گذاری آموزشی بازمی‌ماند. تربیت، به‌ویژه در

سطح نهادی و عمومی، همواره در متن روابط قدرت، ساختارهای اجتماعی و نهادهای سیاسی واقع می‌شود. از این‌رو، لازم است فلسفه تربیت با فلسفه سیاسی در گفت‌وگوی مفهومی و کاربردی قرار گیرد.
نهاد آموزش عمومی، بخشی از سازمان‌دهی سیاسی جامعه است. اینکه چه چیزی آموزش داده می‌شود، چگونه آموزش داده می‌شود و با چه هدفی، تصمیماتی‌اند که در چهارچوب یک نظم سیاسی گرفته می‌شوند، بنابراین تربیت فقط مسئله‌ای فردی یا اخلاقی نیست، بلکه بخشی از پروژه جمعی شکل دادن به شهروندان آینده است. اگر تنها بر جنبه اخلاقی آن تمرکز کنیم، نمی‌توانیم به پرسش‌هایی پاسخ دهیم که به عدالت آموزشی، توزیع فرصت‌ها، هویت ملی یا رابطه فرد با قدرت سیاسی مربوط می‌شوند. در مقابل، وقتی تربیت را در پیوند با فلسفه سیاسی ببینیم، در می‌یابیم مدرسه نه‌فقط جای پرورش شخصیت فردی، بلکه میدان شکل‌گیری تعهدات اجتماعی، حس تعلق و مشارکت در سرنوشت مشترک است.

از دل این پیوند، می‌توان دلالت‌هایی روشن‌ و منسجم برای سیاست‌گذاری آموزشی بیرون کشید. دلالت‌هایی که تنها به افزایش کارایی نظام آموزشی یا حق اظهار نظر در تصمیمات مدرسه، پروژه‌های جمعی خارج از کلاس و ارتباط مستقیم با مسائل محلی و اجتماعی را ممکن می‌سازند. پیوند مدرسه با جامعه محلی و نهادهای عمومی؛ مدرسه باید در دل جامعه باشد، نه جزیره‌ای جدا از آن. دعوت از کشرگران مدنی، سفرهای آموزشی به نهادهای دولتی و عمومی و مشارکت در فعالیت‌های محلی، بخشی از این پیوندهند.

نقش مدرسه در تربیت سیاسی

نقطه آغاز بسیاری از این مفاهیم، مدرسه است. مدرسه تنها جایی برای انتقال دانش‌های علمی و مهارت‌های حرفه‌ای نیست، بلکه نخستین نهاد عمومی است که کودک در آن با جامعه به‌مثابه یک کل آشنا می‌شود. مدرسه، نخستین تجربه زندگی شهروندی است. در این بستر است که فرد یاد می‌گیرد در جمع زندگی کند، حقوق دیگران را رعایت کند، مسئولیت بپذیرد، با تفاوت‌ها کنار بیاید و در تصمیم‌گیری‌های جمعی شرکت کند؛ اما متأسفانه در برخی موارد سیاست‌گذاری آموزشی هنوز عمدتاً معطوف به تولید نیروی کار و انتقال دانش رسمی است، نه پرورش شهروندی مسئول. نتیجه آن می‌شود که فارغ‌التحصیلان مدارس و دانشگاه‌ها، هر چند ممکن است از لحاظ فنی توانمند باشند، اما اغلب فاقد درک عمیق از مسائل اجتماعی، دغدغه خیر عمومی و آمادگی برای

مشارکت در زندگی سیاسی و مدنی‌اند.

به همین سبب، برای تحقق تربیت سیاسی اصیل در مدرسه، چند سیاست کلیدی قابل‌پیشنهاد است:

در آمیختن تربیت سیاسی با تمام سطوح و رشته‌های آموزشی: تربیت سیاسی نباید به یک واحد درسی مستقل و محدود خلاصه شود، بلکه باید وریکردی فراگیر در سراسر برنامه درسی باشد. این یعنی مفاهیم مربوط به مسئولیت‌پذیری، مشارکت، عدالت، هویت جمعی و خیر عمومی می‌توانند در قالب موضوعات گوناگون و در درس‌هایی مانند تاریخ، ادبیات، هنر، علوم اجتماعی و حتی ریاضیات و علوم طبیعی طرح و تقویت شوند. هدف آن است که دانش آموز در هر زمینه‌ای که می‌آموزد، پیوند آن با زندگی جمعی و نقش خود به‌عنوان یک عضو فعال جامعه را نیز درک کند.

توانمندسازی معلمان به‌عنوان تسهیل‌گران تربیت شهروندی: معلمان باید خود تربیت سیاسی دیده باشند تا بتوانند فضای آموزشی را به بستر گفت‌وگو، تفکر

انتقادی و مشارکت فعال تبدیل کنند.

بازطراحی فضای مدرسه بر مبنای مشارکت دانش‌آموزی: شوراهای دانش‌آموزی واقعی، حق اظهار نظر در تصمیمات مدرسه، پروژه‌های جمعی خارج از کلاس

و ارتباط مستقیم با مسائل محلی و اجتماعی را ممکن می‌سازند.

پیوند مدرسه با جامعه محلی و نهادهای عمومی؛ مدرسه باید در دل جامعه باشد، نه جزیره‌ای جدا از آن. دعوت از کشرگران مدنی، سفرهای آموزشی به نهادهای دولتی و عمومی و مشارکت در فعالیت‌های محلی، بخشی از این پیوندهند.

چالش بزرگ جوامع معاصر، فراموشی بُعد عضویت‌محور تعهدات سیاسی است

در بسیاری از جوامع معاصر، تأکید بر حقوق فردی و آزادی‌های شخصی، به یکی از پایه‌های گفتمان سیاسی و اجتماعی تبدیل شده اما این تمرکز شدید بر فرد و حقوق او، به غفلت از بُعد عضویت‌محور زندگی جمعی همراه شده است؛ بُعدی که ما را نه صرفاً به‌عنوان افراد مستقل، بلکه به‌مثابه اعضای درهم‌تیده یک جامعه سیاسی تعریف می‌کند. در این هنگام سیاست صرفاً به بازاری برای پیشبرد منافع فردی تقلیل می‌یابد و «خیر عمومی» رنگ می‌یازد. تربیت سیاسی اصیل باید شهروندان را قادر سازد تا بپذیرند که عضویت در جامعه سیاسی بار مسئولیت‌هایی را در دوش آنها می‌گذارد. این تعهدات هزینه‌هایی دارند، اما در عین حال، عمیق‌ترین منبع معنا، هویت و امکان تحقق خیر مشترک در مقیاس بزرگ هستند. پرورش حس تعلق و مسئولیت‌محوریت، شالوده حیات مردمسالارانه و شرط بقای هر جامعه‌ای است که خواهان زیستی معنادار، فراتر از هم‌زیستی سرد و مکانیکی افراد در کنار یکدیگر است.